

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق و الهیات
بخش معارف اسلامی و حقوق

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد پیوسته
رشته حقوق-گرایش جزا و جرم‌شناسی

مبانی جرم انگاری تجاوز جنسی توسط همسر

مؤلف:

زهره نجیب زاده

استاد راهنما:

دکتر عطااله صالحی

استاد مشاور:

دکتر پوپک دبستانی کرمانی

مرداد ۱۳۹۸



دانشگاه شهید باهنر کرمان

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دانشکده حقوق و الهیات

بخش حقوق

این پایان نامه با عنوان " مبانی جرم انگاری تجاوز جنسی توسط همسر " توسط خانم زهره نجیب زاده دانشجوی رشته حقوق گرایش جزا و جرمشناسی با شماره دانشجویی ۸۹۷۲۳۰۲۴ تدوین شده است و در تاریخ ۱۳۹۸/۶/۱۲ با درجه..... و نمره ۱۷/ هفده تمام مورد پذیرش هیئت محترم داوران قرار گرفت.

این پایان نامه هیچگونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره کارشناسی ارشد شناخته نمی شود.

سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ علمی	نام محل خدمت	امضاء
استاد راهنما	عطاله صالحی	استادیار	دانشگاه شهید باهنر	
استاد مشاور	پوپک دبستانی کرمانی	استادیار	دانشگاه شهید باهنر	
داور اول	محمود روح الامینی	استادیار	دانشگاه شهید باهنر	
داور دوم	محمد امینی زاده	استادیار	دانشگاه شهید باهنر	

نماینده تحصیلات تکمیلی:

نام و نام خانوادگی:

امضاء

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده:

نام و نام خانوادگی

امضاء

حق چاپ محفوظ و مخصوص به دانشگاه شهید باهنر کرمان است.

به نام خدا
مشور اخلاق پژوهش

با استانت از خدای بجان و با اعتقاد راسخ به اینکه عالم محضر خداست و او همواره ناظر بر اعمال ماست و به منظور انجام شایسته‌ی پژوهش‌های اصیل، تولید دانش جدید و بهسازی زندگی بشر، مواد تشویبان و اعضای هیات علمی دانشگاه با و پژوهشگاه‌های کشور:

- تمام تلاش خود را برای کشف حقیقت و حفظ حقیقت به کار خواهیم بست و از هرگونه جعل و تحریف در خفایات‌های علمی پرهیزی کنیم.
- حقوق پژوهشگران، پژوهش‌مکان (انسان، حیوان، گیاه و اشیاء)، سازمان‌ها و سایر صاحبان حقوق را به رسمیت می‌شناسیم و در حفظ آن می‌کوشیم.
- به مالکیت مادی و معنوی آثار پژوهشی ارجح می‌نهیم، برای انجام پژوهشی اصیل اهمیت درزیده و از سرقت علمی و ارجاع نامناسب اجتناب می‌کنیم.
- ضمن پایداری به انصاف و اجتناب از هرگونه تبعیض و تعصب، در کلیه خفایات‌های پژوهشی، رهیافتی قاعده‌ای اتخاذ خواهیم کرد.
- ضمن امانت‌داری، از منابع و امکانات اقتصادی انسانی و فنی موجود استفاده بهره‌ورانه خواهیم کرد.
- از انتشار غیراخلاقی نتایج پژوهش نظیر انتشار موازی، همپوشان و چندگانه (کپی‌ای) پرهیزی کنیم.
- اصل محرمانه بودن و رازداری را محور تمام خفایات‌های پژوهشی خود قرار می‌دهیم.
- در همه خفایات‌های پژوهشی به منافع ملی توجه کرده و برای تحقق آن می‌کوشیم.
- خویش را ملزم به رعایت کلیه بهنجاری‌های علمی رسته خود، قوانین و مقررات، سیاست‌های حرفه‌ای، سازمانی، دولتی و راهبردی ملی در همه مراحل پژوهش می‌دانیم.
- رعایت اصول اخلاق در پژوهش را اقدامی فرارنگی می‌دانیم و به منظور بالندگی این فرهنگ، به ترویج و اشاعه‌ی آن در جامعه اهتمام می‌ورزیم.



دانشگاه شهید باهنر کرمان

تعهدنامه

اینجانب زهره نجیب زاده به شماره دانشجویی ۸۹۷۲۳۰۲۴ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق - جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان نویسنده پایان نامه با عنوان " مبانی جرم‌انگاری تجاوز جنسی توسط همسر " تحت راهنمایی دکتر عطاله صالحی و مشاوره دکتر پوپک دبستانی کرمانی تأیید می‌کنم که این پایان‌نامه نتیجه پژوهش اینجانب می‌باشد و در عین حال که موضوع آن تکراری نیست، در صورت استفاده از منابع دیگران، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن درج شده است. همچنین موارد زیر را نیز تعهد می‌کنم:

- ۱- برای انتشار تمام یا قسمتی از داده‌ها یا دستاوردهای پایان‌نامه خود در مجامع و رسانه‌های علمی اعم از همایش‌ها و مجلات داخلی و خارجی به صورت مقاله، کتاب، ثبت اختراع و... به صورت مکتوب یا غیرمکتوب، با کسب مجوز از دانشگاه شهید باهنر کرمان و استاد(ان) راهنما اقدام نمایم.

- ۲- از درج اسامی افراد خارج از کمیته پایان‌نامه در جمع نویسندگان مقاله‌های مستخرج از پایان‌نامه، بدون مجوز استاد(ان) راهنما اجتناب نمایم و اسامی افراد کمیته پایان‌نامه را در جمع نویسندگان مقاله درج نمایم.

- ۳- از درج نشانی یا وابستگی کاری (affiliation) نویسندگان سازمان‌های دیگر (غیر از دانشگاه شهید باهنر کرمان) در مقاله‌های مستخرج از پایان‌نامه بدون تأیید استاد(ان) راهنما اجتناب نمایم.

- ۴- کلیه ضوابط و اصول اخلاقی مربوط به استفاده از موجودات زنده یا بافتهای آنها را برای انجام پایان‌نامه رعایت نمایم.

- ۵- در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه شهید باهنر کرمان از درجه اعتبار ساقط و اینجانب هیچ‌گونه ادعایی نخواهم داشت.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر (مقالات مستخرج، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم‌افزارها و تجهیزات ساخته شده) مطابق با آیین‌نامه مالکیت فکری، متعلق به دانشگاه شهید باهنر کرمان است و بدون اخذ اجازه کتبی از دانشگاه قابل واگذاری به شخص ثالث نیست. همچنین استفاده از اطلاعات و نتایج این پایان‌نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد. چنانچه مبادرت به عملی خلاف این تعهدنامه محرز گردد، دانشگاه شهید باهنر کرمان در هر زمان و به هر نحو مقتضی حق هرگونه اقدام قانونی را در استیفای حقوق خود دارد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: زهره نجیب زاده

امضا و تاریخ:

^۱ آنها آدرس مورد قبول برای دانشگاه به این صورت می‌باشد:

Iran., Kerman, Shahid Bahonar University of Kerman

نام و آدرس واحدهای دانشگاه در تولیدات علمی محققان دانشگاه به تشخیص بخش و دانشکده به شرح زیر می‌باشد:

Iran., Kerman, Faculty of Law and Theology Shahid Bahonar University of Kerman, Department of Law

آدرس صحیح جهت درج در مقالات و سایر تولیدات علمی فارسی:

گروه (بخش) حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

تقدیم به:

این پایان نامه را در کمال افتخار، امتنان و بچنین با اخلاص و احترام فراوان به پیشگاه مبارک

خداوند حق تعالی

پدر و مادر بزرگوار

ممسرو فرزندم تقدیم می نمایم.

« و الحمد لله اولاً و آخراً »

تشکر و قدردانی:

«یادگیری فرایندی است که در بستر زمان و در گستره مکان شکل می گیرد»

بدینوسیله از تمامی اساتید، دوستان و عزیزانی که همواره در طول دوره زندگی و تحصیلی مشوق و یاری‌گر اینجانب بوده‌اند تشکر و قدردانی داشته و مراتب سپاس و قدردانی خود را از:

اساتید محترم جناب آقای دکتر عطااله صالحی و دکتر پوپک دبستانی کرمانی که راهنمایی و مشاوره بنده را در این پایان‌نامه بر عهده داشتند را اعلام می‌دارم.

با آرزوی توفیق و سربلندی برای تمامی عزیزان، امید که همواره در پناه خداوند منان پیروز و پدیدار باشند.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مبانی جرم انگاری تجاوز جنسی توسط همسر انجام گرفته است. خشونت علیه زنان پدیده‌ای است که در آن زن به خاطر جنسیت خود، مورد اعمال زور و تضييع حق از سوی جنس دیگر واقع می‌گردد. چنانچه این نوع رفتار در چارچوب خانواده و بین زن و شوهر باشد، از آن به خشونت خانگی تعبیر می‌شود. در واقع تجاوز جنسی زناشویی، اجبار فرد به تسلیم عمل جنسی است. به کار بردن زور و قدرت توسط مرتکب برای برقراری رابطه جنسی با فرد مقابل عنصر مهم در تحقق تجاوز جنسی زناشویی است. در این راستا، فرد مقابل نیز البته به مقاومت و دفاع از خود بر می‌آید، اما در نهایت این مرتکب است که با برتری در مقابل وی به مقصود خود می‌رسد. در برخی کشورها این اجبار از سوی همسر به ارائه خدمات جنسی جزو مفهوم رایج تجاوز قرار نگرفته است. این امتناع از غیرقانونی شمردن تجاوز زناشویی، با دیدگاه‌های سنتی به ازدواج، تفاسیر تعالیم مذهبی و دینی، طرز فکرها درباره جنسیت مردانه انسان و توقعات فرهنگی فرمانبرداری یک زن از شوهرش و عدم قدرت زنان به نه گفتن مرتبط است. اما در برخی از کشورها این موضوع تحت قوانین تصویب شده برای ممنوعیت خشونت علیه زنان همچون قوانین راجع به تعرض و ضرب و جرح و ... به عنوان جرم تعریف شده است و تجاوز جنسی زناشویی از جمله مواردی است که سازمان ملل، مبارزه با آن را در قالب اعلامیه حذف خشونت علیه زنان پیگیری نموده است و با توجه به رشد تعداد کشورهای که تجاوز جنسی زناشویی را جرم انگاری کرده‌اند، این مسأله به مرز تبدیل شدن به یک الزام بین المللی رسیده است. از مهمترین مبانی جرم انگاری تجاوز جنسی همسر می‌توان به تعارض آن با حق بر نه گفتن و عدم آگاهی زنان از حقوق، حق بر سلامت جسمانی، حق بر بدن، منع تمامی خشونت علیه زنان و ... اشاره کرد. در این راستا حمایت کیفری افتراقی از زنان از طریق جرم انگاری‌های ویژه برخی رفتارها، یکی از راهکارهایی است که قانون‌گذاران کیفری برای حمایت و کاهش احتمال بزه‌دیدگی آنان اتخاذ نموده‌اند. لذا شناسایی این پدیده و شناخت مبانی آن در جامعه ما و نحوه برخورد قانونگذار با این پدیده امری ضروری می‌نماید. در نظام حقوق کیفری ایران، این عمل جرم انگاری نشده است؛ درحالی که به نظر می‌رسد مبانی جرم انگاری آن در فقه و حقوق کیفری ایران موجود است.

واژگان کلیدی: مبانی جرم انگاری، تجاوز جنسی زناشویی، جرم جنسی، خشونت.

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
مقدمه.....	۱
الف: بیان مسئله.....	۱
ب: ضرورت انجام تحقیق.....	۴
پ: اهداف تحقیق.....	۵
ت: فرضیات تحقیق.....	۵
ث: پیشینه پژوهش.....	۵
ج: روش تحقیق.....	۱۱
چ: چارچوب پژوهش.....	۱۱
فصل مقدماتی: کلیات تحقیق	
مبحث اول: تبیین مفاهیم.....	۱۳
گفتار اول: مفهوم مبانی جرم انگاری.....	۱۳
گفتار دوم: مفهوم جرائم جنسی.....	۱۵
گفتار سوم: مفهوم تجاوز جنسی زناشویی.....	۱۶
گفتار چهارم: خشونت در تجاوز جنسی.....	۱۷
مبحث دوم: کلیات.....	۱۹
گفتار اول: تاریخچه جرم انگاری تجاوز جنسی زناشویی.....	۱۹
گفتار دوم: چارچوب نظری تحقیق.....	۲۶
گفتار سوم: اصول حاکم بر جرم انگاری.....	۲۸
بند اول: ورود ضرر.....	۲۸
الف- ایراد صدمه به تمامیت جسمانی.....	۲۹
ب- ایراد صدمه به تمامیت روانی.....	۳۰
ج- ایراد صدمه به هویت اجتماعی (عرض قربانی).....	۳۰
بند دوم: قیم مآبی یا پدرسالاری قانونی.....	۳۱
بند سوم: اخلاق گرایی.....	۳۳
بند چهارم: کمال گرایی.....	۳۵
گفتار چهارم: اصول نظری و معیارهای جرم انگاری.....	۳۶

- بند اول: فرآیند جرم انگاری..... ۳۷
- الف- جرم انگاری ناشی از حقوق بین الملل..... ۳۷
- ب- جرم انگاری داخلی همزمان با جرم انگاری بین الملل..... ۳۸
- ج- جرم انگاری از حقوق داخلی به حقوق بین الملل..... ۳۹
- بند دوم: مبانی نظری جرم انگاری در نظام کیفری اسلام..... ۳۹
- گفتار پنجم: نظریه‌های پذیرش ضمنی، اتحاد و مالکیت..... ۴۱

فصل اول: مبانی تاریخی و حقوق بشری جرم انگاری

- مبحث اول: زمینه‌های تاریخی جرم انگاری تجاوز جنسی زناشویی..... ۴۵
- گفتار اول: شکل‌گیری جنبش‌های طرفدار حقوق زنان (فمینیسم)..... ۴۸
- گفتار دوم: آگاهی‌های حقوقی زنان..... ۵۰
- گفتار سوم: تصویب قوانین منع تجاوز جنسی..... ۵۲
- گفتار چهارم: تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی..... ۵۳
- گفتار پنجم: عوامل خطر ساز..... ۵۴
- مبحث دوم: مبانی حقوق بشری جرم انگاری تجاوز جنسی زناشویی..... ۵۶
- گفتار اول: اسناد حقوق بشری در حمایت از حقوق زنان..... ۵۶
- گفتار دوم: مصادیق حقوق بشر زنان..... ۵۸
- بند اول: عدم حق شکنجه یا رفتار یا مجازات بی‌رحمانه و تحقیر آمیز..... ۶۰
- بند دوم: حق زندگی..... ۶۱
- بند سوم: حق آزادی و امنیت شخصی..... ۶۲
- بند چهارم: حق آزادی از تبعیض..... ۶۲
- بند پنجم: مساوات حق در خانواده..... ۶۳
- بند ششم: حق سلامت و رفاه..... ۶۳

فصل دوم: امکان‌سنجی جرم انگاری تجاوز جنسی زناشویی از منظر اخلاق و فقه و حقوق

- مبحث اول: مبانی اخلاقی جرم انگاری تجاوز جنسی زناشویی..... ۶۶
- گفتار اول: بررسی عوارض اخلاقی تجاوز جنسی زناشویی..... ۶۷
- بند اول: نظریه برابری جنسیتی..... ۷۱
- مبحث دوم: مبانی جرم انگاری تجاوز جنسی زناشویی از منظر فقه و حقوق ایران..... ۷۲
- گفتار اول: مبانی فقهی جرم انگاری تجاوز جنسی زناشویی..... ۷۴

- بند اول: قاعده معاشرت به معروف ۷۶
- بند دوم: قاعده‌ی لاضرر و حرمت ایذاء ۷۶
- بند سوم: اصل عدم ولایت ۷۸
- بند چهارم: قاعده تسلیط ۷۸
- بند پنجم: نشوز زوجه و وظیفه زوج ۷۹
- گفتار دوم: امکانسنجی جرم‌انگاری تجاوز جنسی از منظر قانون مدنی و قانون اساسی ۸۲
- بند اول: بسترهای قانونی لازم در حقوق ایران ۸۳
- بند دوم: امکان طرح شکایت قربانی ۸۶
- بند سوم: شیوه پیگیری عنف وارده ۸۷
- بند چهارم: آموزش جنسی و خدمات مقابله با همسرآزاری ۸۸
- نتیجه گیری کلی ۹۰
- فهرست منابع و مآخذ ۹۴

مقدمه

در این قسمت از پژوهش کوشیده شده تا به بیان مساله پرداخته شود و تصویری کلی از پژوهش حاضر ارائه گردد. ضرورت اجرای پژوهش و اهداف تحقیق مشخص گردید. سپس فرضیه‌های تحقیق، روش انجام تحقیق و چارچوب تحقیق تشریح شد.

الف: بیان مسئله

عقد نکاح در تمام مذاهب و نظام‌های حقوقی به دلیل کارکرد بی‌بدیل در سلامت و بقای اجتماع، همواره در سایه‌ی چتر حمایت حکومت و مقننین بوده است. توالد و تناسل که بقای ملت‌ها به آن متکی است خود مرهون حق استمتاع جنسی است. پس از وقوع عقد نکاح، زن و شوهر به حکم قانون، حقوق و تکالیف گوناگونی اعم از مالی و غیر مالی در برابرهم پیدا می‌کنند، از جمله حقوق و روابط غیر مالی نشأت گرفته از نکاح، تمکین زوجه در قبال زوج است. توجه زوجین به نیازهای جنسی یکدیگر امری رایج است. این رابطه به شرط ابتنا به علاقه و احترام متقابل، موجب استحکام روابط، صمیمیت و وفاداری زوجین به یکدیگر می‌شود. در این راستا، مردان معمولاً برقراری این رابطه را حق خود می‌دانند و زنان نیز خود را موظف می‌دانند به نیازهای جنسی همسرشان پاسخ دهند. این امر به ویژه در برخی موارد باعث شکل‌گیری یک رابطه یکسویه گردیده است و اگر زن به هر دلیلی از برقراری این رابطه دریغ نماید، مرد نه تنها احساس می‌کند به جایگاه او خدشه وارد شده، بلکه چنین رفتاری را دلیل بر محرومیت از حق مسلم خویش قلمداد می‌نماید و ممکن است با استفاده از هر حربه‌ای زن را وادار به تمکین کند و این عمل می‌تواند آثار جسمی و روحی برای زن به دنبال داشته باشد. در این راستا این امر سبب پیدایش مبحثی تحت عنوان «تجاوز جنسی زناشویی» در ادبیات کیفری برخی کشورها شده است.

در واقع تجاوز جنسی زناشویی، اجبار فرد به تسلیم برای عمل جنسی در فرایند ازدواج است به نحوی که با اجبار و اختفاف از اندازه و حد خود خارج شود. یا به عبارت دیگر تجاوز جنسی زناشویی هرگونه مقاربت ناخواسته که با ترس و تهدید همراه بوده و رضایت همسر را در پی نداشته باشد را شامل می‌گردد.

برداشت اکثر افراد درباره‌ی رابطه جنسی اجباری در زندگی زناشویی آن است که با تجاوز واقعی مرتبط نمی‌باشد، وقتی بحث تجاوز مطرح می‌شود، در ذهن افراد تصور فردی غریبه با اسلحه در حالت حمله و تهدید جانی برای زنان مجسم می‌شود، ولی در خصوص رابطه جنسی اجباری در پروسه زناشویی نوعی ناخشنودی نه چندان جدی به همراه جروبحث زناشویی به ذهن متبادر می‌شود. در واقع اغلب مردم به سبب اینکه در ذهن شان تجاوز زناشویی امری جدی نیست بدان توجه

نمی‌کنند و در نظر اکثر افراد این مسأله نوعی عدم توافق بر سر رابطه جنسی است که مرد برنده آن است و تصویری خوشبینانه مثل کمی خشونت مبهم، به همراه کمی درد و رنج از مسأله دارند و اجبار صورت گرفته در نظرشان انتزاعی است و معمولاً در توصیف آن جملاتی خنثی را بکار می‌برند مثلاً او را مجبور یا وادار کرد.

اگرچه تجاوز جنسی زناشویی یکی از اشکال شایع و جدی خشونت علیه زنان است و در اعلامیه رفع خشونت علیه زنان (مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳) مسأله تجاوز جنسی زناشویی به عنوان مصداقی از خشونت مطرح شده است اما در اکثر کشورها به دلیل عدم توجه قانونگذار نسبت به لطامات حاصل از رابطه جنسی عاری از رضایت در زندگی زناشویی همسران خود را محق در برقراری رابطه جنسی بدون محدودیت می‌دانند و اکثر مردم این مسأله را جدی نمی‌گیرند.

اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، مذکور در فوق، خشونت علیه زنان را " هر رفتار خشن و وابسته به جنسیتی که موجب آسیب جسمی، جنسی یا روانی و یا رنج زنان شود، تعریف کرده است". یکی از اقسام خشونت که به دلیل مسائل فرهنگی و اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته، خشونت جنسی علیه زنان در محیط خانه است.

سازمان جهانی بهداشت در تعریف خشونت جنسی آورده است: «ارتکاب هر عمل جنسی، شروع به ارتکاب این فعل، پیشنهاد به برقراری یک رابطه جنسی (البته بدون رضایت فرد) و قاچاق جنسیتی زنان و خشونت جنسی می‌باشد». بهره‌کشی جنسی زنان در قالب اشکال مختلف ممکن است ارتکاب یابد که برخی از آنها عبارتند از: الزام به تمکین جنسی از شوهر، مزاحمت تلفنی دارای ماهیت جنسی، مزاحمت درون وسایل نقلیه عمومی و معابر عمومی نسبت به زنان، الزام زن به رابطه جنسی نامتعارف، استفاده از اشیاء یا ضرب و جرح زن به هنگام رابطه جنسی، خوراندن مواد مخدر یا مایعات مست‌کننده به منظور برقراری آمیزش جنسی یا تسهیل آن، بردگی جنسی، قاچاق زنان با هدف اجبار به فاحشگی، اجبار به حاملگی، اجبار به عقیم کردن، اجبار به سقط جنین، اجبار به ازدواج، تجاوز به عنف.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص جرایم جنسی با تحولات گسترده‌ای همراه بوده است؛ تحولاتی که منشأ آن احساس لزوم و نیاز به حذف مجازات‌های سخت بوده است، اگر جرایم جنسی را به دو دسته‌ی جرایم جنسی مستوجب حد و جرایم جنسی مستوجب تعزیر تقسیم نماییم، می‌توان گفت جرایم جنسی مستوجب حد در دامنه‌ی این تحولات قرار گرفته است؛ از جمله این تحولات می‌توان به مواد ۲۲۴ و ۲۲۵ ق.م.ا در مورد زنانی با عنف و اکراه و زنا

محسنه و ماده ۲۳۴ در خصوص لواط اشاره کرد.

خشونت جنسی زناشویی یکی از اصلی ترین انواع خشونت صمیمانه توصیف شده که با وجود پیامدهایی مانند معلولیت های شدید و حتی گاهی مرگ، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. تجاوز زناشویی نوعی خشونت جدی علیه زنان است که به طور بالقوه آثار مخرب طولانی مدت جسمی و روحی را همراه دارد. از جمله آثار جسمی این رابطه عبارتند از آسیب به اندام های جنسی... و از جمله آثار روحی این رابطه را می توان افسردگی و افکار خودکشی را دانست. در تبیین علت تجاوز جنسی توسط شوهر عده ای معتقدند که فرد به لحاظ شخصیتی دارای اوصاف خاصی است. مثلاً مردی ممکن است به لحاظ شخصیتی به روابط جنسی همراه با خشونت با همسر خود علاقه داشته باشد در حالی که همسر وی ممکن است از این رابطه صدمه ببیند. گاهی ساختار فرهنگی و اجتماعی به مرد اجازه برقراری رابطه زناشویی تحت هر شرایطی ولو در صورت عدم رضایت زن را می دهد که می توان از آن با عنوان وجود فرهنگ مردسالارانه نام برد که زن را جزیی از مایملک خود می پندارد. در واقع آن چه که تجاوز جنسی در زندگی زناشویی نامیده می شود (یعنی اقدام به عمل جنسی توسط شوهر بدون تمایل یا رضایت زن) را جامعه شناسان با دو عامل فرهنگی مرتبط می دانند. اولین دلیل باور عمومی رایج در اکثر اجتماعات بشری است که بر اساس آن مرد باید نقشی مذکر داشته باشد و بتواند بر زن مسلط گردد. بر اساس این باور تجاوز به همسر با رفتار مردانه مترادف تلقی می شود. عنصر دوم نیز این باور عمومی است که اساساً همسر را نمی توان مورد تجاوز قرار گرفته تلقی کرد؛ چرا که به شوهر تعلق دارد و بخشی از مایملک او محسوب می شود. بر اساس این دو باور عمومی است که اساساً آن چه که گروهی آن را تجاوز به همسر می دانند هنوز در برخی کشورها جرم تلقی نمی شود و تا کنون به ندرت اتفاق افتاده است که مردی در یک نقطه از دنیا به جرم تجاوز به همسرش مورد محاکمه قرار گرفته باشد. در قانون مجازات اسلامی ایران تجاوز جنسی در قالب عنوان زنا یا به عنف جرم انگاری شده است و در قانون کیفری ایران ماده ۲۲۱ قانون حدود، قصاص و دیات (مصوب ۱۳۹۲) در تعریف جرم زنا آمده: «زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که علقه زوجیت بین آن ها نبوده باشد و از موارد و طی به شبهه نیز نباشد». در فصل سوم قانون مذکور در ماده ۲۲۴ ضمن برشمردن اقسام حد زنا، زنا یا به عنف و اکراه را موجب اعدام اکراه کننده دانسته است. با دقت در این ماده می توان چنین برداشت کرد که در نظام تقنینی ایران شوهران از نظر جنسی دسترسی نامحدود نسبت به همسر خود دارند و محدودیتی بر آنها وضع نشده است این در حالی است که تجاوز جنسی لزوماً توسط غریبه ها انجام نمی شود و گاهی می تواند این تجاوز توسط همسر صورت گیرد.

اثرات روحی و روانی که تجاوز زناشویی نسبت به تجاوز توسط فرد غریبه بر جای می‌گذارد به مراتب بیش تر است. عده ای با این تحلیل که زن به هنگام ازدواج رضایت ضمنی به رابطه زناشویی تحت هر شرایطی را داده است جرم شناختن بر مبنای تجاوز زناشویی را بی مورد می‌دانند. در حالی که از این رضایت به ازدواج نمی‌توان رضایت ضمنی به برقراری روابط زناشویی «تحت هر شرایط و هر زمانی» را استنباط و برداشت کرد.

بر خلاف نظام حقوقی ایران، در کشورهای نظیر کانادا، استرالیا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا تجاوز جنسی زناشویی جرم انگاری شده است. این پایان نامه در صدد بررسی مبانی تاریخی، اخلاقی و حقوقی جرم انگاری این پدیده می‌باشد. در همین راستا، در این مطالعه به بحث پیرامون جرم انگاری تجاوز جنسی توسط همسر پرداخته خواهد شد و پژوهش حاضر در صدد خواهد بود به سوالات زیر پاسخ دهد:

۱- مبانی جرم انگاری تجاوز جنسی زناشویی کدامند؟

۲- مهمترین تحولات ایجاد شده در بحث تجاوز جنسی زناشویی و مجازات های آن کدامند؟

۳- آیا تغییرات ایجاد شده در مبحث جرایم جنسی، مبتنی بر تغییر نگرش قانونگذار نسبت به مبانی جرم انگاری این جرائم است یا خیر؟

۴- آیا نگرش اجتماعی و دیدگاه‌های حقوق بشری در تغییرات و تحولات ایجاد شده در قانون جرایم جنسی زناشویی در قانون موثر بوده است؟

ب: ضرورت انجام تحقیق

برقراری رابطه جنسی نامتعارف و اجباری از لحاظ اخلاقی، اجتماعی، شرعی و حتی پزشکی در هیچ جامعه ای مورد قبول نمی‌باشد و طبعاً قانون، شرع و اخلاق از آن حمایت نکرده و آن را تایید نمی‌کند. با این حال به خاطر مصالح مربوط به این جرم، مانند رواج خشونت جنسی علیه زنان و ضرورت و لزوم حمایت از آنان، می‌توان آن را جرم انگاری کرد. در همین راستا نیز بسیاری از کشورها یا قوانین مربوط به تجاوز جنسی زناشویی را تصویب کرده اند و یا معافیت همسر از تجاوز را لغو کرده اند و یا قانونی را به تصویب رسانده اند که تمایزی بین تجاوز فرد غریبه با تجاوز به همسر نمی‌گذارد، به طوریکه طبق برآوردها در سال ۲۰۰۶ در یکصد کشور تجاوز جنسی زناشویی جرم قابل پیگیری تعریف شده است و همچنین باید توجه کرد شناسایی و جرمانگاری تجاوز جنسی زناشویی فرصتی تاریخی در جهت تصویب قوانین به منزله مبارزه مؤثر با خشونت علیه زنان است. از این رو یکی از مسائلی که جامعه با آن درگیر است نحوه برخورد قانونگذار با چنین جرایمی است. ایران از جمله کشورهایی است که حقوق جنسی مجزا برای

خانواده تعریف نکرده است و از آنجا که قوانین کشور متناسب با دیدگاه های شرعی نگاشته می شود، لازم است میزان انعطاف شارع و قانونگذار را در خصوص این مسئله بررسی کرد. همچنین از بعد روانشناختی احساس نارضایتی از امور جنسی ریشه بسیاری از ناراحتی ها و مشکلات روانی اجتماعی بوده و بصورت صفات خطرناک از قبیل خیانت، حسادت، احساس پوچی و ناسازگاری و فساد اجتماعی تجلی می نماید. لذا بررسی این مسئله بدلیل تاثیری که بر کارکردهای اجتماعی نیز دارد ضروری به نظر می رسد. از طرفی آنچه ضرورت بررسی را در این زمینه ایجاد می کند این است که با در نظر گرفتن اهداف در جرم انگاری جرایم جنسی، بهترین و موثرترین روش را به کار گرفت.

پ: اهداف تحقیق

- ۱- تبیین و بررسی مبانی جرم انگاری تجاوز جنسی زناشویی
- ۲- تبیین و بررسی تحولات ایجاد شده در بحث تجاوز جنسی زناشویی و مجازات های آن
- ۳- تبیین و بررسی تغییرات ایجاد شده در مبحث جرایم جنسی در قوانین، مبتنی بر تغییر نگرش قانونگذار نسبت به مبانی جرم انگاری این جرائم
- ۴- تبیین و بررسی نگرش اجتماعی و دیدگاه های حقوق بشری در تغییرات و تحولات ایجاد شده در جرایم جنسی زناشویی در قوانین

ت: فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی: در جرم انگاری توجه به معیارهای ماهوی (مانند تناسب جرم و مجازات) و معیارهای شکلی (مانند صراحت و شفافیت قانون و ...) از مهمترین مبانی محسوب می گردند.
فرضیه های فرعی:

- ۱- از تحولات صورت گرفته در قانون در خصوص زنان و جرایم جنسی می توان به سن مسئولیت کیفری دختران، دیه و ... اشاره نمود.
- ۲- تغییرات ایجاد شده به نوعی نشان دهنده مشوش بودن ذهن قانونگذار در تدوین مقررات حاکم بر این دسته از جرایم است.
- ۳- متحرک اصلی قانونگذار برای ایجاد تحول، مقتضیات زمان و مکان و نگرش های اجتماعی می باشد، هرچند این تحولات بر اساس مبنای روشنی صورت پذیرفت است.

ث: پیشینه پژوهش

- نوبهار و حسینی (۱۳۹۷) در مقاله ی "حدود روابط جنسی زن و شوهر در چارچوب قاعده

معاشرت به معروف " بر پایه التزام به قاعده لزوم معاشرت به معروف، به نقد و بازنگری دیدگاه‌های رایج فقهی و حقوقی در حوزه روابط جنسی زوجین پرداخته اند. بر پایه این قاعده از جمله ضوابط وضع احکام در حوزه روابط زناشویی هم چون دیگر قلمروهای رابطه زن و شوهر صدق رفتار متعارف است. مفاد قاعده، رعایت معیار متعارف در روابط جنسی را الزامی می‌کند. بر این پایه، نظریه تحدید زمانی حق جنسی زوجه به هر چهار ماه یک بار، با معیار رفتار متعارف ناسازگار است. به همین ترتیب، به حکم مضمون قاعده، در هر بار رابطه جنسی نیز معیار رفتار متعارف باید مراعات شود. در نتیجه، برقراری رابطه مبتنی بر اجبار، شیوه‌های نامتعارف نزدیکی و برقراری رابطه جنسی خشن، به لحاظ مغایرت با معروف نمی‌تواند مشروع باشد. مقاله با تاکید بر پویایی مفهوم معروف و متعارف و امکان اثرپذیری آن از عرف‌های مقبول نتیجه می‌گیرد که گاه رفتارهایی که پیش‌تر معروف بوده‌اند، اما اکنون نامتعارف قلمداد می‌شوند، نمی‌توانند مقبول شارع باشند.

- قطب‌الدینی نژاد نعمت‌آباد (۱۳۹۶) در "بررسی علل و عوامل همسر آزاری و خشونت، پیامدها و شیوع خشونت علیه زنان" به این نتیجه دست یافته‌اند که بازنگری قوانین کشورها، یکی از نخستین راهکارها برای حذف خشونت علیه زنان تلقی می‌شود. به اعتقاد نهادهای مدافع حقوق زنان، نقاط ضعف قانونی باید آشکار و رفع شود. دولت‌ها تشویق و ترغیب شوند تا قوانین را رعایت و قوانین نامناسب را عوض کنند. در سطوحی پایین‌تر نیز باید با کمک به رشد نهادها و تشکل‌های غیردولتی زنان، به مهار اجتماعی خشونت علیه زنان مبادرت ورزید. با همکاری و توسط این تشکل‌ها، زنان باید بیشتر به حقوق خود در برابر خشونت آگاه شوند. یا این وجود، حضور و نقش مردان در حذف خشونت علیه زنان، اساسی و ضروری است و بدون جلب همکاری مردان، حذف خشونت ممکن نیست.

- میرکمالی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به "مبانی فقهی - حقوقی جرم‌انگاری تجاوز زناشویی" پرداخته است. در این مطالعه آمده است که زنان از یک سو، به دلیل خصوصیات خاص جسمی، روانشناختی و اجتماعی، بیشتر از سایرین در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند و افراد آسیب‌پذیرتری در برابر بزهکاران هستند. از سوی دیگر هم، ممکن است در محیط‌های خاصی مانند خانه و در بستر زناشویی توسط همسر مورد تعرض قرار گیرند و یا مجبور به نزدیکی غیر طبیعی و نامتعارف شوند. زوجین در رابطه جنسی خود آزادند اما این آزادی نباید موجب آسیب رساندن به دیگری شود. حمایت کیفری افتراقی از زنان از طریق جرم‌انگاری‌های ویژه برخی رفتارها، یکی از راه‌کارهایی است که قانون‌گذاران کیفری برای حمایت و کاهش احتمال بزه‌دیدگی آنان اتخاذ

نموده اند. در نظام حقوق کیفری ایران، این عمل جرم انگاری نشده است؛ در حالی که به نظر می رسد مبانی جرم انگاری آن در فقه و حقوق کیفری ایران موجود است. این عمل علاوه بر اینکه مخالف ارزش های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی می باشد، موجب اذیت و آزار و اذیت زوجه نیز می شود و از آنجا که در اسلام ارتکاب فعل حرام ممنوع بوده و مرتکب آن را می توان تعزیر کرد، در نتیجه ضرورت ایجاب می نماید تا این رفتار ضد اخلاقی و ناهنجار مجرمانه قلمداد گردد.

- گودرزی و همکاران (۱۳۹۵) به "بررسی روان شناختی تجاوز جنسی زناشویی با نگاهی بر جنبه فقهی و حقوقی موضوع" پرداختند. در این مقاله آمده است که تجاوز جنسی زناشویی از جمله مواردی است که سازمان ملل، مبارزه با آن را در قالب اعلامیه حذف خشونت علیه زنان منتشر کرده است. که با توجه به رشد تعداد کشورهایی که تجاوز جنسی زناشویی را جرم انگاری کرده اند، این مسأله به مرز تبدیل شدن به یک الزام بین المللی رسیده است. نیاز به شناسایی این پدیده و شناخت ابعاد روانشناختی آن در جامعه ما و نحوه برخورد قانونگذار با این پدیده امری ضروری می نماید. این پژوهش درصدد بوده است ضمن شناخت پدیده تجاوز جنسی زناشویی پاسخی مناسب در خصوص سؤال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه تجاوز جنسی زناشویی موجود در دیدگاه روانشناختی به چه نحوی در فقه و حقوق اسلامی قابل طرح است را بیابد.

- در مقاله ای دیگر "نیم نگاهی به پدیده تجاوز زناشویی در حقوق کیفری ایران" شده است. در این مقاله به این مطلب اشاره شده است که یکی از مصادیق خشونت خانگی را می توان تجاوز در بستر زناشویی دانست. میزان قبول یا رد تجاوز زناشویی به عنوان یکی از اقسام خشونت خانوادگی و پنهانی ترین نوع آن، به فرهنگ و قوانین روابط جنسی زن و شوهر در آن جامعه برمی گردد. برخی زنان چون خود را حق شوهرانشان می دانند و باور دارند لذت جنسی در هر شرایطی حق شوهرانشان است، احساس نمی کنند که تجاوزی صورت گرفته باشد. نویسنده نظر اعتراض آمیزی به این قضیه دارد که چنان چه عمل تجاوز از سوی مردی غیر از همسر باشد، مجازات سنگینی در پی دارد ولی چرا شوهری که حرمت جسمانی زنش را نگه نمی دارد و باعث فریادی روانی او می شود، مورد سرزنش قرار نمی گیرد تجاوز زناشویی نتیجه پیوند میان تمایل جنسی، احساس قدرت، ریاست و برتری است. به طوری که مرد رابطه جنسی را هر زمان و هرگونه که بخواهد، حق خودش می داند. در بسیاری از کشورهای جهان از جمله کانادا، امریکا، دانمارک، سوئد و نروژ مرد نمی تواند بدون رضایت همسرش با او رابطه جنسی برقرار کند و اظهار می دارد در ایران هم باید این مسئله را بازبینی و آن را نقد کرد و این کار می تواند در دو حوزه فرهنگی و قانونی به طور موازات انجام گیرد (بطیاری، ۱۳۹۴).

- در پژوهشی به " بررسی مبانی حقوقی تحولات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در خصوص جرایم جنسی " پرداخته شده است. در این پژوهش آمده است که با نگاهی به شناخته ترین مبانی جرم انگاری همچون ضرر، اخلاق، پدرسالاری و قرار دادن آن ها در کنار تحولات ایجاد شده در خصوص جرایم جنسی، شاهد این امر خواهیم بود که تحولات ایجاد شده بیش از آن که براساس اصول و مبانی عام و پذیرفته شده از جمله ضرر، پدر سالاری، اخلاق، صورت گرفته باشد؛ متأثر از مقتضیات زمان و مکان و حرمت تنفیر و نگاه های حقوق بشری بوده است؛ به عبارتی شرایط جهانی، زمانی و مکانی لزوم تغییر در این زمینه را خواستار بوده است؛ قانونگذار نیز خواستار تحول بوده، ولی به دلیل نداشتن شاکله و مبنای مشخص دچار نوعی تزلزل شده است، به نوعی که حتی اصول و مبانی عام پذیرفته شده در جرم انگاری یک رفتار را نیز رعایت ننموده. مدعای ما بر این امر این است که قانونگذار در تدوین برخی مقررات در خصوص این دسته از جرایم نه تنها از نظر مشهور فقها پیروی نکرده بلکه اقدام به جرم انگاری و در نظر گرفتن شدیدترین مجازات(اعدام) برای برخی رفتارها نموده است که هیچ پیشینه فقهی و روایی نیز نداشته است(تبصره ۲ ماده ۲۲۴ق.م.ا). از سویی دیگر باید گفت اگر قانونگذار بر اساس هر مبنایی که حرکت کند و به جرم انگاری رفتاری بپردازد، وقتی رفتار در حیطه اعمال ممنوعه قرار گرفت باید با مجازات روبرو گردد، ولی در خصوص این دسته از جرایم و تحولات ایجاد شده در خصوص ادله اثبات این دسته از جرایم، مشاهده می کنیم راه گریز برای محکوم به راحتی فراهم شده است. این راه فرار محکوم به مجازات حتی در آنجایی که مبنای قانونگذار تا حدودی پیروی از "ضرر" بوده است نیز وجود دارد؛ به عنوان نمونه می توان از ماده ۱۷۳ق.م.ا نام برد. بنابراین می توان گفت تحولات ایجاد شده با مبانی جرم انگاری هماهنگی ندارد و بر اساس مبانی و اصول صورت پذیرفته است و به نوعی می توان گفت ناشی از تزلزل قانونگذار در تدوین مقررات در خصوص این جرایم بوده است، تزلزلی که از یک سو ریشه در مقتضیات زمان و مکان و از سوی دیگر ریشه در تعبدی نگاه کردن به این مجازات ها دارد. تشویش ذهن قانونگذار حتی زمینه را برای دخالت سایر نهادها از قبیل دادگاه، رسانه، و به خصوص وکلای طرفین و... در ماهیت امر ایجاد کرده است، دخالتی که علاوه بر این که نادرست و نابجا است حتی برخی مواقع نتیجه عکس دارد و ممکن است با اهداف شارع مقدس در این زمینه در تضاد باشد؛ و به عنوان پیشنهاد می توان گفت بر جامعه علمی و دانشگاهی ما، وکلا و ... لازم است و این وظیفه اخلاقی را برعهده دارند که با نشان دادن عیوب و نواقص ایجاد شده، راه مناسب را به تدوین کنندگان قانون نشان دهند و مقنن را در راه رسیدن به اهداف عالی کمک نمایند، چرا که تا زمانی که مبنای صحیح و مسلمی در خصوص این دسته از

جرایم اتخاذ نگردد، امید به اصلاح مقررات و موثر واقع شدن مجازات ها به لحاظ اهدافی که برای مجازات ها در خصوص این دسته از جرایم ترسیم شده است، وجود نخواهد داشت و وظیفه شرعی و اخلاقی اصلاح مقررات بر عهده خود ماست (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳).

- محمدخانی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "رابطه خشونت جنسی و نگرش‌های زناشویی و همراهی انواع خشونت در روابط زناشویی" به بررسی میزان انواع خشونت در زنان و همراهی زنان در خشونت جنسی در زوج‌های ایرانی و نگرش‌های زناشویی زنان قربانی خشونت جنسی، پرداخته‌اند. نویسندگان مقاله تجاوز زناشویی را خشونت صمیمانه می‌دانند که می‌تواند به صورت آزار جنسی باشد که با وجود پیامدهایی مانند معلولیت‌های شدید و حتی مرگ، چندان مورد توجه قرار نگرفته است و حتی خود زنان به دلیل ساختارهای فرهنگی و یا باورهای مذهبی تن به سکوت می‌دهند.

- السان (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با عنوان "جرم شناسی خشونت جنسی علیه زنان"، ضمن بررسی تجاوز علیه زنان به پدیده خشونت جنسی توسط همسر نیز اشاره می‌کند که به دلیل مسائل فرهنگی و اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و راهکار پیشگیری از آن را در وهله اول فرهنگ سازی و در وهله دوم حمایت‌های قانونی می‌داند.

- اعزازی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان "ساختار جامعه و خشونت علیه زنان"، با بهره‌گیری از نظریات فمینیستی پدیده خشونت به خصوص خشونت جنسی علیه زنان را به چالش می‌کشد و آن را ناشی از نظام مرد سالاری در ساختار جامعه می‌داند که از خشونت به عنوان ابزاری برای حفظ روابط نابرابر قدرت استفاده می‌شود که این ساختار نابرابر در همه زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و قانونی وجود دارد که بایستی اصلاح شوند.

- مطالعه‌ای با عنوان "تجزیه و تحلیل انتقادی در خصوص تجاوز زناشویی و پیامدهای قانونی آن: از دیدگاه کشور بنگلادش" انجام داده‌اند. این پژوهش بر شیوع این مسئله در جامعه بنگلادش متمرکز شده، انگیزه‌ها و دیگر عوامل مرتبط را شناسایی نموده و سعی شده به دلایل تجاوز جنسی مردان بپردازد تا بتواند عدالت جنسیتی را تضمین کنند (راشد احمد، ۲۰۱۶).

- چودری^۱ (۲۰۱۵) مطالعه‌ای با عنوان "تجاوز به همسر؛ مسائل حقوقی و نیاز به جرم‌انگاری آن" انجام داده‌اند. این مطالعه تلاشی برای برجسته کردن نیاز به جرم‌انگاری تجاوز توسط همسر در کشور هند می‌باشد. این مقاله به صورت تطبیقی موارد مرتبط با این موضوع را در کشورهای مختلف مورد بحث قرار داده که تجاوز توسط همسر جرم شناخته شده، سپس عوامل اصلی

^۱ Chaudhary